نگاه نو

آب و فاضلاب اروپا در چه مسیری است؟

ترجمه: عبدالله مصطفایی

● تحقیقی جدید از سوی مؤسسه EurEau (فدراسیون اروپایی انجمن‌های ملی تأمین‌کنندگان آب شرب و خدمات فاضلاب) درباره خدمات آب شرب و فاضلاب در سراسر اروپا انجام شده است. تحقیق قبلی این مؤسسه مربوط به هشت سال پیش بوده است که برای اولین‌بار در سال ۲۰۰۹ انجام شد و حاوی اطلاعات مختلفی بود. آقای «برونو» رئیس این مؤسسه گفته است: «در این هشت سال تغییرات زیادی رخ داده است؛ یعنی فناوری بهبود یافته، تعداد اختراعات و ابتکارات بیشتر شده و مصرف‌کنندگان خواهان خدماتی با همخوانی بیشتر با محیط‌زیست و مقرون‌به‌صرفه‌تر هستند». در کل این اطلاعات از ۲۹ کشور اروپا از اتریش تا اسلواکی را در بر می‌گیرد. باوجوداین در گزارش ذکر شده است که «به دلیل متفاوت‌بودن معیارهای ملی هر کشور، نباید مقایسه ساده‌ای بین کشورها انجام داد؛ چون تفاوت‌های فاحشی بین این کشورها به دلیل شرایط محلی هرکدام وجود دارد».

سرمایه‌گذاری

شرکت‌های خدمات آب اروپایی سالانه حدود ۴۵ میلیارد یورو در زمینه زیرساخت‌های آب سرمایه‌گذاری می‌کنند که این به معنی سرمایه‌گذاری ۹۳.۵ یورویی به ازای هر ساکن این منطقه در یک سال است. این سرمایه اساسا از طریق مالیات، تعرفه‌ها و... تأمین می‌شود. در قسمت تعرفه باید گفت که متوسط قبض آب اروپایی‌ها در سال کمتر از ۴۰۰ یورو است. این در حالی است که در کشورهای نروژ و دانمارک دارای بالاترین متوسط بوده و مبلغ قبوض سالانه آب به ترتیب به ۸۰۰ و ۷۰۰ یورو بالغ می‌شود. در این گزارش ذکر شده است که «تعیین تعرفه آب موضوع پیچیده‌ای است که به پارامترهای مختلفی از قبیل سطح مالیات، منابع آب موجود (آب زیرزمینی نسبت به آب سطحی به تصفیه کمتری نیاز دارد)، طول شبکه به ازای هر شهروند و مشخصات آب‌های پذیرنده (مناطق حساس نیازمند تصفیه بیشتر و کیفی‌تر فاضلاب هستند) بستگی دارد. البته این مؤسسه معتقد است که «بررسی ارقام متوسط قبوض برای اطلاع از تنوع قیمت‌ها در اروپا مناسب است؛ ولی مقایسه مستقیم قبوض آب یا قیمت یک مترمکعب آب در کشورهای مختلف کار صحیحی نیست».

خدمات آب آشامیدنی

طول سراسر شبکه آب اروپا بالغ بر ۴.۲ میلیون کیلومتر است که این حدود ۱۱ برابر فاصله زمین تا ماه خواهد شد. این شبکه وظیفه تأمین سالانه ۴۴.۷ میلیارد مترمکعب آب شرب را برعهده دارد که منابع آب آن آب سطحی و آب زیرزمینی است. شیرین‌سازی آب فقط در کشورهای قبرس، یونان و اسپانیا و نیمی از آب کشور مالت را شامل می‌شود. با درنظرگرفتن همه این ارقام، متوسط مصرف هر شهروند اروپایی در روز حدود ۱۲۸ لیتر خواهد بود. با فرض هر خانوار متشکل از ۲.۳ نفر، متوسط مصرف سالانه هر خانوار بالغ بر ۱۱۱ مترمکعب خواهد شد.

خدمات فاضلاب و مدیریت لجن

طول سراسر شبکه جمع‌آوری فاضلاب در اتحادیه اروپا بالغ بر سه میلیون کیلومتر است. کشورهای این منطقه در کل دارای ۱۸ هزار تصفیه‌خانه فاضلاب هستند. البته باید متذکر شد که ظرفیت کل تصفیه‌خانه‌های اتحادیه اروپا باید بیشتر از جمعیت کنونی آن باشد تا بتواند «علاوه بر پاسخگویی افزایش جمعیت در دوره عمر تصفیه‌خانه‌ها، جواب‌گوی فاضلاب‌های صنعتی مجاز برای ورود به این تصفیه‌خانه‌ها نیز باشد». البته در این گزارش ذکر شده است که در کشورهای کمی از این اتحادیه می‌توان اطلاعاتی درباره مجزا یا مرکب‌بودن شبکه فاضلاب به دست آورد. ضمنا بیان شده است که از نظر حجم فاضلاب بر روی حدود ۱.۱ درصد آنها، تصفیه اولیه و بر روی ۲۸.۵ درصد آنها، تصفیه ثانویه و بر روی ۶۸.۴ درصد آنها، تصفیه ثالثیه (تکمیلی) انجام می‌پذیرد. هرچند تصفیه تکمیلی در قانون تصفیه فاضلاب شهری (UWWTD) ذکر نشده است؛ ولی به‌عنوان یک تصفیه سخت‌گیرانه پس از تصفیه ثانویه استفاده می‌شود. درباره مدیریت لجن نیز در گزارش ذکر شده است که ۴۹.۲ درصد لجن در کشاورزی مصرف شده و ۲۹.۴ درصد آنها سوزانده می‌شود و ۱۲.۴ آن در تصفیه با زمین استفاده می‌شود و ۸.۷ درصد آن نیز در مراکز مربوطه دفن می‌شود. این اطلاعات مربوط به یک‌سری از کشورها است که فرم‌های خود را ارسال کرده‌اند و کشورهایی از قبیل اتریش، بلغارستان، کرواسی، ایرلند، صربستان و سوئیس را شامل نمی‌شود. حدود ۹۵ درصد از جمعیت ساکن در اروپا به «آب سالم دسترسی دارند و فاضلاب آنها به صورت زیست‌محیطی به طبیعت بازگردانده می‌شود». البته از چالش‌های آینده کشورهای عضو اتحادیه دراین‌باره همانا اتصال بقیه مردم به شبکه آب و فاضلاب نیست؛ بلکه راهبری، تعمیر و نگهداری و بازسازی تأسیسات موجود خواهد بود.

معاون وزیر نیرو از تصمیم‌گیری شورای‌عالی آب درباره پروژه انتقال آب ونک خبر داد

تصمیم خطیر رئیس‌جمهور درباره باغات پسته رفسنجان

لیلا مرگن: پروژه ونک به رفسنجان که قرار است به‌وسیله بخش خصوصی، آب سرشاخه‌های کارون را با هدف تأمین نیازهای بخش کشاورزی و باغات پسته رفسنجان به این دشت منتقل کند، تنها پروژه انتقال آب تجویزشده در سال‌های گذشته برای رفع نیازهای آبی مرکز ایران نیست؛ اما پروژه‌ای است که پس از ۲۰ سال، مجددا بحث اجرای آن مطرح شده و هدف از اجرای این پروژه نیز تأمین نیازهای شرب مردم استان کرمان نیست بلکه هدف آن تعادل‌بخشی به دشت رفسنجان است. طرحی که مخالفان زیادی در استان‌های تحت تأثیر اجرای این پروژه شامل خوزستان، اصفهان و چهارمحال‌وبختیاری دارد، قرار است با احداث سدی به نام ونک در منطقه بروجن، آب سرشاخه‌های کارون را به دشت رفسنجان منتقل کند. به گفته رحیم میدانی، معاون آب و آبفای وزارت نیرو، تصمیم‌گیری نهایی درباره این پروژه بر عهده شورای‌عالی آب، به‌عنوان بالاترین مرجع تصمیم‌ساز در زمینه آب کشور واگذار شده است که به ریاست رئیس‌جمهور برگزار می‌شود. میدانی در گفت‌وگوی خود با «شرق» به تشریح سیاست‌های این وزارتخانه در زمینه تأمین نیازهای آبی شرق کشور هم پرداخت که در ادامه می‌خوانیم:

عکس: ایسنا

از حدود یک ماه پیش که موضوع انتقال آب ونک به دشت رفسنجان رسانه‌ای شده است، نگرانی‌های زیادی درباره پیامدها و مخاطرات این طرح مطرح شده است. با وجود این نگرانی‌ها آیا پروژه انتقال آب ونک به رفسنجان اجرا خواهد شد؟

نه قرار نیست این پروژه اجرا شود. فعلا به دلایلی ازجمله عدم دریافت مجوز از سازمان حفاظت محیط‌زیست، متوقف است.

سازمان محیط زیست به این پروژه مجوز داده است.

این پروژه منتفی شده بود. اخیرا سازمان حفاظت محیط زیست یک مجوز مشروط به آن داده است. این مجوز مشروط یک‌سری مسائلی دارد که همه از جنس مسائل فنی نیست.

نظر شما به‌عنوان معاون آب وزارت نیرو چیست؟ آیا انتقال آب برای تعادل‌بخشی یک دشت منطقی است؟

اجازه بدهید تصمیم‌گیری در این رابطه را به مرجع رسمی خود یعنی شورای‌عالی آب بسپاریم. یک گزارش بدهیم تا شورا تصمیم بگیرد. این شورا نماد خرد جمعی است و همه در آنجا حضور دارند. بالاخره باید مسئله را از جوانب مختلف دید.

منطقی است که پول صرف کنیم و آب را به دشت رفسنجان ببریم تا این دشت متعادل شود؟

این پروژه را بخش خصوصی دنبال می‌کند. دولت قرار نیست این وسط سرمایه‌گذاری انجام دهد.

دولت سیاست‌گذار است.

اینکه یک منطقه‌ای از بحران خارج شود، خارج از سیاست‌های نظام نیست. سیاست نظام ایجاد تعادل در منابع و مصارف کشور است. منتها بحث‌های انتقال آب فقط منحصر به بحث‌های فنی و مالی نیست. شما با مسائل اجتماعی هم مواجه هستید. شورای‌عالی آب ترکیبی از همه است. وزرای نیرو، جهاد کشاورزی، کشور، محیط زیست و ... در این شورا حضور دارند. سازمان برنامه‌وبودجه و خبرگان آب در آن حضور دارند. باید جوانب مسئله را بررسی کنند و یک تصمیم عقلایی بگیرند. برای این پروژه دولت نمی‌خواهد سرمایه‌گذاری کند.

قصد دارید آب را از استانی که امسال بارش آن نزدیک به ۶۰ درصد منفی بوده و ممکن است این کاهش بارش‌ها در سال‌های بعد هم تکرار شود، به منطقه دیگری منتقل کنید. این پروژه انتقال، ۱۰ سال هم دوام نمی‌آورد. آیا این شیوه سیاست‌گذاری منطقی است؟

این منفی‌بودن بارش‌ها مربوط به اول مهر تا ۲۵ آذرماه است. منفی‌بودن به این معنی نیست که استان مبدأ نمی‌تواند نیازهای خود را تأمین کند. هر جا صحبت از انتقال آب است، انتقال آب مازاد بر نیازهای حیاتی مدنظر است.

پروژه ونک به رفسنجان در سرچشمه‌های کارون اجرا می‌شود. آیا ما در کارون آب مازاد داریم؟

مازاد را باید تعریف کنیم. ممکن است شما در یک منطقه به قدری پتانسیل خاک داشته باشید که بتوانید به اندازه ۱۰ برابر آب کشور برای تأمین نیاز آن منطقه تعریف کنید. باید مبنای مازاد را تعریف کنیم. به‌همین‌دلیل در دنیا برای تأمین نیازهای آبی اولویت‌بندی می‌کنند. زیرا آب مازاد یک مفهوم کلی ندارد. شما باید تبیین کنید که مازاد نسبت به چه نیازی مد نظر است. در حال حاضر خوزستان به قدری پتانسیل خاک دارد که اگر شما همه حوضه‌های بالادست را تعطیل کنید، می‌توانید برای آب ورودی به خوزستان برنامه‌ریزی کنید اما آیا لرستان، کرمانشاه، کهگیلویه‌وبویراحمد نیاز آبی ندارند؟ همه اینها باید در کنار هم دیده شود و همه به دید ملی به قضیه نگاه کنند. چطور در مورد کشورهای همسایه توقع داریم که یک‌سری نیازهای ما را به رسمیت بشناسند. در ارتباط با داخل کشور هم باید چنین دیدی داشته باشیم. نمی‌شود ما که در یک سرزمین هستیم، به مسائل یکدیگر بی‌تفاوت باشیم. اما قطعا همان‌طور که رئیس‌جمهور تکلیف را معین کردند، انتقال حوضه به حوضه فقط برای شرب خواهد بود و یک پروژه غیرشرب برای کشور تعیین نکردیم. چارچوب ما همین است؛ آن‌هم با تصویب شورای‌عالی آب.

بحث انتقال آب از افغانستان مطرح شده است و گروهی معتقدند که باید با افغانستان برای واردات آب مذاکره کرد. مسئولان استان خراسان جنوبی خیلی روی این مسئله مانور می‌دهند. آیا صحت دارد که ایران به دنبال واردات آب از خارج از کشور است؟

ما با کشورهای همسایه روی تأمین حقابه‌ها بحث داریم. حقابه زیست‌محیطی هامون را پیگیری می‌کنیم. این حقابه‌ها باید تأمین شود. حقابه‌هایی هم که به مصرف می‌رسد، پیگیری می‌شود؛ اما بحث واردات آب که گاهی در جامعه مطرح می‌شود، در دستور کار نیست. اگر برنامه تقدیمی وزیر نیرو به مجلس را بررسی کنید، چه در بحث راهبردها و چه چالش‌ها و برنامه‌ها، هیچ اثری از اینکه وزیر در چهار سال دولت دوازدهم به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های رفع چالش‌ها مسئله واردات آب را مطرح کند، در آن دیده نمی‌شود. دلیلش این است که واردات آب غیر از مسائل مرتبط با ریسک، شیوه ارزان‌قیمتی نیست و قطعا تحویل‌دهنده قیمتی برای آب خود خواهد گذاشت. آب گران‌قیمت هم به درد مصارف کشاورزی نمی‌خورد. ارزش افزوده این بخش به حدی نیست که کشاورز بتواند به ازای هر مترمکعب، پنج هزار تومان پول پرداخت کند. برای مصارف شرب و صنعت نیز ما کشوری نیستیم که برای تأمین نیازهای خود مشکلی داشته باشیم. چه از آب‌هایی که به صورت طبیعی در حوضه‌های آبریزمان وجود دارد و چه آبی که از دریاها در اختیار داریم، می‌تواند تأمین‌کننده نیازهای ضروری‌مان باشد. ایران به خلیج فارس و دریای عمان دسترسی دارد. ما باید پروژه‌های نمک‌زدایی اجرا کنیم و آب را منتقل کنیم. آب شرب و صنعت از نظر حجم خیلی زیاد نیست. کل مصارف صنعتی کشور ۱.۸ میلیارد متر مکعب است. مثل کشاورزی نیست که آب را به صورت انبوه مصرف کند. البته طبیعت کشاورزی پرمصرف است. در بخش شرب، شش میلیارد مترمکعب آب مصرف می‌کنیم. با توجه به وضعیت کلی کشور، نیازی به واردات آب نداریم.

در نیمه شرقی کشور برنامه این است که با شیرین‌سازی آب دریا، نیازها تأمین شود؟

بله، به نظر ما راه‌حلی است که اطمینان‌پذیری مناسب داشته و از نظر ریسک، وضعیت مطلوب‌تری دارد. تعریف امنیت آبی دسترسی به آب سالم، مورد نیاز و با ریسک مقبول بسیار مهم است. نمی‌توان برای تأمین نیازهای مردم از یک آب پرریسک استفاده کرد. در زمینه انتقال نفت و گاز با لوله، هرگاه مسائل سیاسی رخ می‌دهد، به‌سرعت سراغ قطع جریان گاز یا نفت می‌روند. ما نمی‌توانیم آب شرب مردم را به عدم قطعیت‌ها و مخاطرات بسپاریم. باید خیال ما راحت باشد که آب مردم را با اطمینان‌پذیری بالای ۹۵ درصد تأمین می‌کنیم.

پیش‌ازاین معاهده جامع همکاری بین ایران و افغانستان در قالب پیش‌نویس تهیه شده بود. قرار بود ایران در قالب پنج کمیته آب، آموزش، امنیتی و دفاعی، اتباع، اقتصاد و ترانزیت با افغانستان همکاری کند؛ اما همه این محورها به مسئله آب گره خورده بود و وزیر امور خارجه نیز ضرب‌الاجل سه‌ماهه‌ای برای دولت افغانستان تعیین کرد. با توجه به اتمام مدت ضرب‌الاجل تعیین‌شده وضعیت مذاکرات چگونه است؟

هنوز فرصت هست. مذاکرات ادامه دارد. با افغانستان دو نشست داشتیم. یکی در ایران و دیگری در کابل و به‌زودی نشست سومی هم در ایران برگزار خواهد شد.

یکی از محورهای همکاری بین ایران و افغانستان توسعه روابط اقتصادی و استفاده از پتانسیل‌های بندر چابهار و توسعه تعاملات ترانزیتی بین دو کشور بود. درحال‌حاضر افغانستان بدون پذیرش شروط آبی ایران، از این پروژه بهره می‌برد. آیا این مسئله با روح مذاکرات قبلی همخوانی دارد؟

وزارت امور خارجه هماهنگی کلان پنج کمیته را پیگیری می‌کند. من می‌بینم که کاملا سنجیده حرکت می‌کنند. روند نشست‌های ما هم منطقی و خوب است. کل حرف ما این است که رفتارها بر محور انصاف و عدالت باشد. رعایت یک‌سری اصول کلی که همه دنیا آن را پذیرفته‌اند، مد نظر قرار می‌گیرد. ازجمله این اصول کلی، تأمین نیازهای حیاتی مد نظر ایران است. بخشی از آب شرب شهر بزرگی مانند مشهد مقدس که هر سال ۲۵ میلیون نفر زائر دارد، به سد دوستی وابسته است که روی رودخانه هریرود است. وقتی این استدلال‌ها را می‌کنیم و توضیح می‌دهیم، قطعا هر آدم منصفی می‌پذیرد که باید بنشینیم و به یک تفاهماتی برسیم.

مشخصا خواسته ایران از افغانستان چیست؟

این است که ما روی حقابه هامون باید یک کار علمی و اجرائی انجام دهیم و به طور مشترک نگذاریم که هامون‌ها از بین بروند. تالاب را احیا کنیم؛ مثل همتی که روی دریاچه ارومیه یا آب‌های زیرزمینی داریم. توضیح دادیم که مسائل زیست‌محیطی دودش به چشم همه می‌رود. عراق، ترکیه و سوریه روی دجله و فرات سدسازی بی‌حساب‌وکتاب و بی‌حدوحصر کردند؛ اما دودش به چشم ما می‌رود. ریزگردها، زندگی نوار غربی ما را به‌ویژه در خوزستان، ایلام، بوشهر و حتی تا آذربایجان‌شرقی درگیر می‌کند. با مسائل مربوط به محیط زیست نمی‌توان این‌گونه برخورد کرد و یک کشوری بگوید که من دور خود خط می‌کشم و فقط از خودم مراقبت می‌کنم. مرزی روی زمین داریم؛ اما ذرات گرد و غبار مرز نمی‌شناسد و کشورها را درگیر می‌کند. اگر هامون خشک شود، هم افغانستان آسیب می‌بیند و هم ایران. به‌جز مسائل مادی به لحاظ سیاسی هم دنیا ارزیابی می‌کند و می‌گوید که این چه شیوه مدیریت سرزمینی است که دو کشور همسایه نمی‌توانند مشکلات‌شان را با هم حل کنند. به‌همین‌دلیل در یک فضای منطقی و علمی و اجرائی بحث‌ها را پیش می‌بریم. مطلب بعدی هم این است که روی رودخانه هریرود روی یک‌سری اصول توافق کنیم؛ زیرا آنجا حوضه مشترک است که در همین مسیر مذاکرات ادامه می‌یابد.

ایران قصد دارد از هریرود حقابه دریافت کند؟

درهرصورت حداقل خواسته این است که بنشینیم برنامه‌های همدیگر را روشن و شفاف با یکدیگر در میان بگذاریم. نمی‌شود که ما به‌عنوان ذی‌نفع رودخانه هریرود اصلا ندانیم که مشترک ما چه برنامه‌هایی در آن حوضه دارد. زیرا این حوضه، صرفا منحصر به کشور افغانستان نیست. در رودخانه ارس، ایران، ارمنستان، جمهوری آذربایجان حق مشترک هستند. اگر ندانیم که دیگر کشورها چه برنامه‌هایی در آن حوضه دارند، چه اتفاقی می‌افتد؟ قطعا نمی‌شود یک مدیریت مشترک در آن حوضه آبریز اجرا کرد. این در حوضه‌های داخلی هم مصداق دارد. در حوضه آبریز کرخه، اگر خوزستان نداند که کرمانشاه در بالادست چه می‌کند یا لرستان وضعیتش چگونه است، مردم پایین‌دست یعنی خوزستان همواره در اضطراب زندگی می‌کنند و نمی‌دانند که در آن بالا چه خبر است.

بحث انتقال آب از هزارمسجد هم مطرح است. در این رابطه چه نظری دارید؟

مجوز این پروژه را داده‌ایم. اگر بتوانند ردیف اجرائی بگیرند، آن پروژه می‌تواند اجرائی شود. برای تأمین آب شرب شهرها مقداری دیدگاه ما عوض شده است. انتقال آب هزارمسجد برای تأمین نیازهای شرب مشهد انجام می‌شود. البته با تأمین نیازهای حوضه‌های آبی و رعایت پروتکل‌ها با همسایه‌ها و رعایت نیازهای خود اهالی این انتقال انجام خواهد شد. تاکنون دید ما نسبت به پروژه تأمین آب این بوده است که سد بزنیم، تصفیه‌خانه بزنیم، چاه بزنیم و آب را تأمین کنیم؛ یا مثلا برای برخی شهرهای ساحلی، با نمک‌زدایی آب تأمین کنیم اما درحال‌حاضر به مسئله بازیافت آب بسیار توجه داریم. در شهر مشهد ۱۰۰ میلیون مترمکعب پساب تصفیه‌شده تا دو سال آینده خواهیم داشت. درحال‌حاضر حدود ۶۰ میلیون مترمکعب پساب داریم. فناوری دنیا به حدی رسیده است که با هر کیفیت، می‌تواند فاضلاب را تصفیه کند و راحت این آب را می‌توانید به کشاورز بدهید. منتها قرار نیست با تکیه بر فاضلاب تصفیه‌شده بارگذاری جدیدی انجام دهیم بلکه این منابع را جایگزین آب کشاورزی می‌کنیم و آب باکیفیت کشاورزی را به مصرف شرب می‌رسانیم.

به‌این‌ترتیب بارگذاری جدید آبی در کشور به‌طور کامل ممنوع است؟

غیر از مناطق خاصی که ما آب داریم، بارگذاری‌های جدید ممنوع است. مثلا در آذربایجان شرقی و غربی و اردبیل از حقابه ارس پروژه جدید و شبکه آبیاری اجرا می‌کنیم. در این استان‌ها ۴۰ هزار هکتار پروژه اجرا می‌کنیم که ایرادی ندارد. ما همه آب در اختیار را نمی‌توانیم برای شرب مصرف کنیم. آن منطقه نیازهایی شربی دارد که تا افق ۱۴۵۰ در نظر می‌گیریم و کنار می‌گذاریم، سهم صنعت را هم می‌دهیم و آب مازاد را به توسعه کشاورزی اختصاص می‌دهیم.

وضعیت منابع آب کشور چگونه است؟

تا این لحظه متأسفانه کل بارش متوسط کشوری ما حدود ۲۹ میلی‌متر است و این نسبت به درازمدت ۴۸ درصد و نسبت به سال گذشته ۲۱ درصد منفی است. تا این لحظه وضعیت خوبی نداریم.

خبر

احتمال ایجاد شوک ناشی از حذف یارانه و افزایش قیمت حامل‌ها

● وزیر اسبق بازرگانی با بیان اینکه انجام اقدامات شجاعانه از قبیل حذف ۳۰ میلیون یارانه‌بگیر نیازمند رعایت الزاماتی است، گفت: افزایش نرخ ارز به بیش از چهار هزار تومان به اقتصاد لطمه می‌زند. یحیی آل‌اسحاق در گفت‌وگو با فارس درباره لایحه بودجه ۹۷ گفت: لایحه بودجه، یک بودجه ویژه در شرایط ویژه است زیرا در شرایطی تنظیم شده که انتظارات دولت در روابط بین‌الملل و در فضای بعد از برجام محقق نشده است. او با بیان اینکه فضایی که دولت لایحه بودجه ۹۷ را در آن تنظیم کرده، فضایی با محدودیت‌های داخلی و خارجی است، بیان کرد: این در حالی است که در این فضا دولت قصد انجام عملیات شجاعانه از جمله حذف ۳۰ میلیون یارانه‌بگیر، افزایش قیمت حامل‌های انرژی و افزایش قیمت بنزین را دارد. آل‌اسحاق با بیان اینکه انجام این کارها ممکن است منجر به شوک اجتماعی شود، بیان کرد: بنابراین هر عملی که دولت انجام می‌دهد، باید مواظب باشد که شوک ایجاد نکند وی با اشاره به افزایش قیمت بنزین بیان کرد: اگرچه قصد دولت در افزایش قیمت بنزین اصلاح الگوی مصرف است، اما بازتاب این اقدام در جامعه می‌تواند اثرات منفی زیادی به‌خصوص روی کم‌درآمدها داشته باشد.

سهم پروژه‌های عمرانی از درآمد نفت کاهش یافت

● رقم مصوب بودجه در هفت ماه نخست سال ۹۶ حدود ۲۰۵ هزار میلیارد تومان بوده است که در این مدت حدود ۷۵.۸ درصد از منابع و ۷۳.۶ درصد از مصارف آن محقق شده است. به گزارش فارس به نقل از اتاق بازرگانی تهران رقم مصوب بودجه در هفت ماه نخست سال ۹۶ حدود ۲۰۵ هزار میلیارد تومان بوده که در این مدت حدود ۷۵.۸ درصد از منابع و ۷۳.۶ درصد از مصارف آن محقق شده است. کسری بودجه عمومی دولت در هفت‌ماهه نخست سال حدود ۴.۶ هزار میلیارد تومان است. براساس این گزارش بیشترین رشد عملکرد اجزای منابع در هفت ماه نخست سال ۱۳۹۶ نسبت به هفت ماه نخست سال ۱۳۹۵، مربوط به واگذاری دارایی‌های سرمایه (رشد ۵۷ درصد) بوده است، در این مدت درآمدها نسبت به مدت مشابه سال قبل شش درصد رشد داشته است.